

### پرده نقره‌ای

### «شاهرخ خان» هنر پیشه

### مجید مجیدی می‌شود؟

پس از دیدار «شاهرخ‌خان» سوپراستار بالیوود با مجید مجیدی، کارگردان ایرانی در فستیوال فیلم پکن، بحث همکاری این دو در رسانه‌های هندی داغ شده است. پس از استقبال نه چندان خوب از فیلم «صفر» شاهرخ‌خان در گیشه هندوستان و دیدار این هنرپیشه سوپر استار بالیوودی با مجید مجیدی کارگردان ایرانی در فستیوال فیلم پکن، بحث همکاری این دو در رسانه‌های هندی داغ شده است. پس از شکست فیلم شاهرخ‌خان با عنوان «صفر» او سراغ فیلم‌نامه‌های متنوع و کارگردانان مختلفی رفته که ابتدا شایعه همکاری وی با «سانجای لیلا بهانسالی» در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها منتشر شده بود و حالا همکاری این آبرستاره سینمای بالیوود با فیلمساز ایرانی «مجید مجیدی» خبر داغ رسانه‌های هندوستان شده است. این خبرها پس از دیدار این دو در فستیوال فیلم پکن که مجیدی با فیلم «آنسو ابرها» در آن حضور داشت، قوت گرفت. مجیدی به خاطر فیلم‌های متنوعش و بهره از هنرپیشه هندی «ایشان خاطر» نزد هندی‌ها شناخته شده است. البته تاکنون از هیچ کدام از این دو هنرمند تأیید یا تکذیب این خبر که به شدت هم در رسانه‌ها پیچیده اعلام نشده است. بنابر اخبار رسانه‌های مختلف، مجیدی پس از فیلمی که امسال در ایران تولید می‌کند، ساخت فیلم بعدی خود را در هندوستان شروع خواهد کرد. فیلم «آنسو ابرها» اولین فیلم مجید مجیدی است که در هند ساخته شده است و بنابر گفته خود این کارگردان اثر سینمایی بعدی وی در هندوستان با نام «معدن ذغال‌سنگ» خواهد بود. داستان فیلم در شهری کوچک می‌گذرد و قهرمان داستان مردی ۳۰ ساله است. فیلمبرداری سال آینده خواهد بود. هنوز جزئیات بیشتری در مورد این پروژه منتشر نشده است.

### کتاب زندگی نامه علی نصیریان منتشر شد

در معرفی این کتاب عنوان شده است: در این کتاب به قلم نگار حسینی سعی شده است علاوه بر روایت زندگی شخصی و هنری استاد نصیریان، رخدادهای هنری دهه ۲۰ تا ۹۰ هجری شمسی هم مرور شود. در بخشی از کتاب «آقای هالو» آمده است: خیلی‌ها به من می‌گویند بیاییدو تجربیات خود را در زمینه‌بازیگری و تئاتر منتقل کنید،خب چه چیزی را منتقل کنم؟ ببینم و به نسل جدید بگویم که در دوران دبیرستان برای تمرینات تئاتر، پارک شهر که تازه داشتند درخت می‌کاشتند و حتی دیوار و نرده نداشت ما می‌رفتیم یک گوشه تمرین می‌کردیم؟ نسل جدید با پارامترهای امروزی می‌گوید خب شما دیوانه بودید. «آقای هالو» در ۳۲۱ صفحه و با قیمت ۹۸ هزار تومان توسط انتشارات فرهنگ معاصر همزمان باسی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۴۰۴ اردیبهشت در مصلاي تهران) منتشر شده است.

### لوکیشن «سوته‌دلان» این هفته تخریب می‌شود

برپایه خبرهای دریافتی از منابع محلی، مغازه ظروفچی در فیلم «سوته‌دلان»، اثر زنده‌باد علی حاتمی، در آستانه تخریب قرار دارد و به احتمال زیاد در هفته جاری، منتهی به ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ تخریب خواهد شد. مغازه ظروفچی در فیلم «سوته‌دلان»، که در خیابان ایران، کوچه روحی قرار دارد، یاد کوراسیون کم‌تأثیر خود، یکی از معدود مغازه‌هایی به شمار می‌رفت که به تمامی بازتابنده حال و هوای مغازه‌های تهران در دوره پهلوی اول بود. سبک و سیاقی ساختمان آن نیز نشان می‌دهد که در اواخر دوره قاجار یا اوایل دوره پهلوی ساخته شده است. هر چند که در سال‌های گذشته، با تغییر نمای ساختمان جلوه تاریخی آن از میان رفته بود.

برخی اهالی محل اطلاع داده‌اند که مالک بنا پیش از عملیات تخریب، دکوراسیون تاریخی مغازه را به یک مجموعه‌دار فروخته است.

با تخریب ایسن مغازه، خیابان ایران که تا دو دهه پیش پذیرای شمار زیادی از آثار تاریخی بود، تقریباً از وجود بناهای قدیمی خالی می‌شود.

### متری شش و نیم» با هر متر

### و معیاری خوش ساخت و

### جذاب است، پس اگر نقدی

### به روند فیلم می‌شود در

### سطحی ایده آل گریانه‌تر

### از بی‌شمار اجتماعی‌های

### متنبدل این سال‌های

### سینمای ایران است

هم در عین حال مخاطبش را کم‌هوش فرض می‌کند.

این تحمیق مخاطب خصوصاً در آن جایی اتفاق می‌افتد که پیمان معادی به عنوان چشم‌ناظر و از موضع بالانظاره‌گر صحنه‌اعدام است، انگار قرار بوده تمام آن خطر روایی جسور که درباره نهاد‌های رسمی پرداخت‌های دارد، در پایان فیلم با یک دگردیسی ماجرا را ختم به خیر کند. البته درک محدودیت‌ها کار سختی نیست، اما کاش فیلم در همان سکانس وداع تمام می‌شد.

باهمه این‌ها «متری شش و نیم» حتی از «بدو یک روز» هم تازه‌تر و جسورتر است و حالا فعلاً باید سسند این اصطلاح سینمای اجتماعی را به نام سعید روستایی بز نیم، جوانی که موفق شد تحت‌تأثیر فرهادی نباشد و حرف خودش را بزند، این یعنی اصالت احتمالا.

شش و نیم» را دیواره کرده است.

این دو پارگی مشهود است و اگر خیلی برای تماشاجی عادی جلب توجه نمی‌کند، بیشتر از این جهت است که ضرباهنگ فیلم مناسب است و به قولی تماشاجی کاملاً سرگرم می‌شود، پس متوجه دو لحن متفاوت فیلم نمی‌شود. این را هم در نظر داشته باشید که به هر حال با هر متر و معیاری «متری شش و نیم» خوش ساخت و جذاب است، پس اگر نقدی به روند فیلم می‌شود در سطحی ایده‌آل گریانه‌تر از بی‌شمار اجتماعی‌های متنبدل این سال‌های

سینمای ایران است.

یک سوم پایانی «متری و شش نیم» به دو بخش تقسیم می‌شود، نتیجه‌گیری داستان تار سیدن به سکانس وداع نوید محمدزاده با خانواده‌اش و نیمه دوم این بخش که در واقع اضافاتی است که همه کلیت فیلم را می‌تواند مخدوش کند.

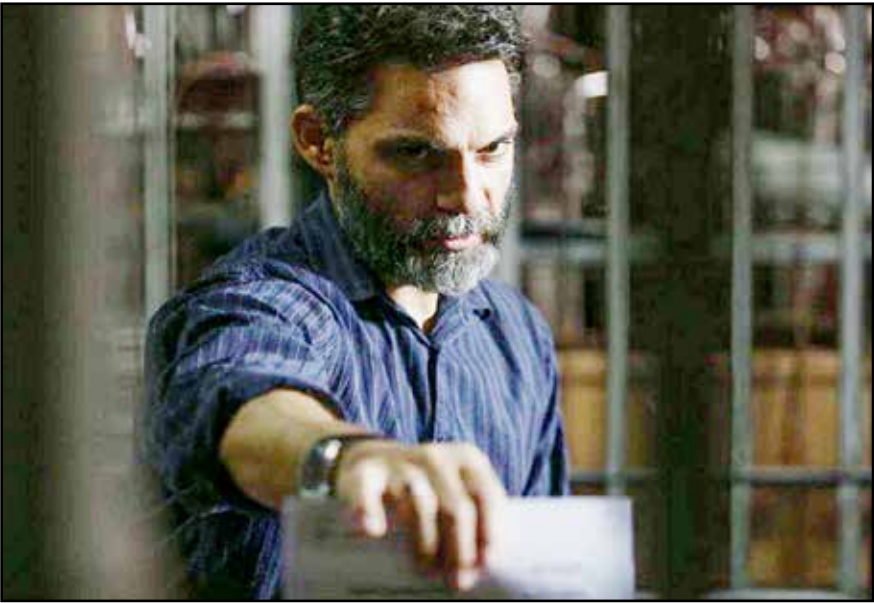
پایان بندی فیلم هم شعارزده است و

محمدزاده و پیمان معادی انصافاً خیلی هم خوب و یا حداقل جذاب درآمده و به جرات می‌توان با نمونه‌های موفق خارجی مثل (مخمصه آل پاچینو، دنیرو) مقایسه‌اش کرد.

کهن روایت دزد و پلیس (در این جا قاچاقچی شیشه و پلیس آگاهی) در «متری شش و نیم» یک تقابل درجه یک دارد که در سینمای ایران کمتر باین کیفیت دیده‌ایم، فیلم در یک سوم میانی آن جسارت ابتدایی را از دست می‌دهد و با دیالوگ و کمی سکون از لحاظ حرکت در داستان همراه می‌شود، البته که جذاب هست، اما کم‌تحرک است. تحرک را البته اگر اگز جره و دیالوگ‌های پینگ پنگی در نظر بگیریم، یک سوم میانی هم حرکت دارد.

اما س‌والی که این جا پیش می‌آید این است که اگر فیلم قرار بوده که محور اصلی داستان تقابل این دو کاراکتر باشد، چرا کارگردان نیم ساعت ابتدایی را از دست داده و اصلاً فیلم‌نامه می‌توانست از دقیقه ۱۰ به بعد با پرداخت این دو شخصیت در میانه فیلم به

اوج رسیده باشد و بعد هم با ساختار «سید فیلد» فیلم در پایان با فرود همراه شود، این جست‌روستایی بین دو گونه‌روایی، ابتداء مستند و افشاگرانه و بعد در امانتیک و شخصیت‌محور لحن «متری



ایسان عبدلی

می‌رود و ته پلیدی‌ها را بدون هیچ تعارفی در می‌آورد. این بریده‌اثر سعید روستایی حتی خیلی بالاتر از «بدو یک روز» قرار می‌گیرد، نظیر چنین سینمایی را شاید فقط در ساخته در خشان مهرجویی (دایره مینا) داشتیم، آن جا، اما فیلم تماماً متمرکز و منسجم بر خط روایی مستندنمایش می‌ماند.

روستایی، امسا به خط روایی ناتورالیستی اولیه‌اش وفادار نمی‌ماند و در یک سوم میانی مفتون جذابیت تقابل قهرمان و ضد قهرمان داستانش می‌شود، البته که نوع پرداخت تقابل نوید

جذّالش با مهناز افشار است.

افخمی همین دو روز پیش در برنامه «قد سینما» به مهناز افشار می‌تازد، افشار پیش‌تر از طرح کودک همسری انتقاد کرده بود، افخمی این گونه‌ان خجالتش در می‌آید:

«خانم افشار با این دید باید با دو مئو و ژولیت نیز مخالفت کند. چرا که این دو کاراکتر هر کدام ۱۵، ۱۶ ساله بودند که عاشق هم شدند و احتمالاً خانم «فشار» به «شکسپیر» نیز می‌گوید تا زایمان نکردی نباید از این نمایش‌نامه‌ها بنویسی. مردم عقل دارند هر حرف بی‌فکری را عرصه کردن د تا طرداری از مدرنیم برای خودشان دست و پا کنند، رفتار صحیحی نیست»

این اظهار نظر را می‌گذاریم کنار سابقه سیاسی افخمی، انگار یک جای این پازل جور نیست! نماينده مجلس ششم و تبليغاتچی ستاد کروبى بودن و این گونه تاختن به یک مخالف کودک همسری! عجیب است، مثل آن اظهار نظری که علیه «صادق هدایت» در برنامه «ادیکال» داشت: «وقتی ما چنین مسئله‌ای (همجنس گرایی) را در مورد صادق هدایت بدانیم،

این بار علیه مهناز افشار و درد زایمان

## آقای افخمی خسته نشدی از جنجال؟

آبان نامجو

روزی مرجان شیر محمدی همسر بهروز افخمی در باره او گفته بود: «ذات‌اشیطان است و برخی رفتارهایش از سر شیطنت است». اما دیگر نمی‌شود رفتارهای بهروز افخمی را در چار چوب یک‌سری شیطنت‌های ساده تحلیل کرد. ظاهر او دوست دارد در جایی بایستد که «جنجالی» باشد. دردی که مسعود فراستی هم طور دیگری دچارش بوده، فراستی البته در چار چوب نقد سینما در جایگاه «جنجالی» قرار می‌گیرد، افخمی اما در چار چوب اظهار نظرهای پرآکنده سیاسی، سینمایی، اجتماعی و اصلاً هر چه که به ذهن برسد. اصلاً چرا با فراستی مقایسه‌اش کرد؟ م‌خوب؟ کمال همنشین است دیگر، افخمی و فراستی مدت‌ها در «هفت» همنشین بودند.

به خود افخمی بر می‌گردیم؛ چرا اظهار نظرهای او هضم‌شدنی نیست؟ شاید باید برگردیم به این که او از کجا شروع کرد و چگونه و حالا به کجا رسیده؟ قبل این‌ها ذکر این نکته هم ضروری است که بهانه این یادداشت اظهار نظر اخیر او درباره «درد زایمان» و

#### یادداشت

زندانی‌ها؛ فیلمی شعاری در باب اخلاقیات

## اخلاق؛ حلقه گمشده جامعه مدنی

فازنه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«زندانی‌ها» عنوان فیلم جدید دنمکی است

که با موضوعی اجتماعی ساخته شده است. دنمکی مانند دیگر آثار خود در این فیلم نیز به دنبال ارزش‌های فراموش شده انسانی است که در نمایش و انتقال آن چندان موفق نبوده است. «زندانی‌ها» باوجود آنکه از مشهورترین بازیگران تلوویزیون همچون بهنام تشکر، هومن برق نورد، هدایت هاشمی، بهار هافشاری، بهنوش بختیاری، امیرنوری و ام‌گرفته است تا اثری کمیک و طنزآلود با تأکید بر مفاهیم اخلاقی را خلق نماید، موفق نبوده و بر همین اساس بازیزش مخاطب در گیشه

دارای دکترای الهیات است که به دلیل حوادثی

که در خلال فیلم رخ می‌دهد به جمکران سفر می‌کند. وی ارادت ویژه‌ای به امام زمان (ع) دارد که در نهایت به وقت گرفتاری با توسل جستن به امام‌زمان، معجزه به کمکش می‌آید و با حوادثی که رقم می‌خورد وی از مرگ نجات پیدا می‌کند. لازم به ذکر است «زندانی‌ها» بیش از آنکه طنز باشد، فیلمی اجتماعی است. ایده اولیه جذابی دارد ولی همچون فیلم‌های بی‌سرو‌تو و آبکی گیشه‌شعاری می‌شود؛ به گونه‌ای که در حین تماشای فیلم، مخاطب حوصله خود را از کف می‌دهد و بدنبال دلیلی قابل توجیه برای نستستن در صندلی سینما می‌باشد که در نهایت خواب رفتن را به ترک سالن ترجیح می‌دهد. تنها نکته قابل تأمل این فیلم این است که هیچ‌یک از شخصیت‌ها و کاراکترهای آن قرار نیست متحول شوند؛ نکته دیگری که در نگاه مخاطبان تکراری و خسته‌کننده به نظر می‌رسد و

در عین حال تنها نکته قوت این فیلم برای جذب

مخاطب نیز محسوب می‌شود، نقش آفرینی زوج بهنام تشکر و هومن برق نورد است که در فیلم‌های تلویزیون نیز به کررات شاهد حضور موفقیت‌آمیز این دو بازیگر بوده‌ایم؛ اگر چه تکراری هستند و پیشتر بارها کنار هم دیده شده‌اند، اما امتیاز مهمی برای فیلم «زندانی‌ها» به‌شمار می‌روند.

فارغ از آنکه دنمکی با ساخت «زندانی‌ها» بطور موفقیت‌آمیزی نتوانسته قصد خویش را که نمایش اخلاقیات و ضوابط اخلاقی است به تصویر بکشد، باید متذکر شد در شرایط فعلی اخلاق ذیل تمام مناقشات جناحی، سیاسی و... قرار گرفته است بطوریکه در زمره مهمترین مفاهیمی قرار گرفته که زندگی تمام افراد در افشار و طبقات اجتماعی و فرهنگی مختلف را به خود گره زده است. درواقع می‌توان گفت‌از منظر آسیب‌شنلسی ریشه‌یسیاری از آفات و فسادهایی که در نهاد‌های دولتی و